

ویژگی‌ها و انواع سنت‌های الهی

در تدبیر جوامع

نصرالله آقاچانی*

چکیده

سنت‌های اجتماعی، عبارتند از قوانین حقیقی یا تکوینی که ارتباط نفس‌الأمری حقائق را در جهان عینی نشان می‌دهند. سنت الهی در جامعه، رفتاری است که خداوند با اجتماعات بشری بر اساس حکمت خود، به صورت ابتدایی یا مقابله‌ای انجام می‌دهد. این سنت‌ها که بیان‌گر قانون‌مندی جامعه و تاریخ است، نشان از رابطه‌ای تکوینی بین اعمال انسانی با عالم هستی است که منشأ آثاری وجودی برای انسان‌ها خواهد بود. بازشناسی ویژگی‌های سنت‌های الهی و انواع آن، دغدغه اصلی این مقاله است تا نگاه جامعی را ترسیم کرده و فرصت تازه‌ای را برای گفت‌وگو طرح تفصیلی درباره سنت‌ها فراروی اندیشمندان خواهد گذاشت. انواع سنت‌های الهی در جوامع را می‌توان در سه دسته کلی: سنت‌های مطلق، سنت‌های مشروط به ایمان و سنت‌های مشروط به کفر تقسیم کرد که هر یک از آن‌ها، انواعی از سنت‌ها را در بر می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها

سنت‌های اجتماعی، سنت الهی، جوامع، قانون‌مندی.

مقدمه

سخن گفتن از سنت‌های اجتماعی تنها یادآور تاریخ گذشته نبوده بلکه بیان‌گر قانون‌مندی نسبت فعل خدا با گذشته، حال و آینده بشریت است. سرنوشت ملت‌ها و حوادث تاریخ به یکدیگر شباهت داشته و از مطالعه در سرگذشت پیشینیان می‌توان سرنوشت آینده را رقم زد. بازشناسی سنت‌های الهی در گذشته، همانند آئینه‌ای خواهد بود که نتیجه حرکت ما را به سوی آینده نشان خواهد داد. از سویی دیگر سنت‌های اجتماعی همانند قوانین طبیعی نیست که با کشف یک قانون طبیعی، به سرعت و با قاطعیت از پیش‌بینی یا تحقق حوادثی می‌توان سخن گفت که مشمول آن قانون طبیعی است. سرّ مطلب به وجود اصل ضرورت و رابطه علی و معلولی بین پدیده‌های مادی از یک سو و احاطه علمی انسان به پدیده‌ها از سوی دیگر باز می‌گردد. اما قوانین اجتماعی هر چند مبتنی بر اصل علیت هستند ولی از آن‌جا که با مقوله اختیار انسان به عنوان جزئی از علت تامه و نیز چگونگی تدبیر الهی بر اساس حکمت خویش مواجه هستیم، احاطه علمی ما را از تحقق قوانین اجتماعی - نه اصل قانون‌مندی اجتماعی - یا پیش‌بینی از آن با مشکل مواجه می‌سازد. راز این مطلب در امکان تغییر گزینش‌های انسان و عدم احاطه علمی ما به پیامدهای آن یا زمان تحقق این پیامدها است. بدیهی است که هر نوع گزینشی از سوی انسان، پیامدهای تکوینی خاصی به دنبال دارد در حالی که تحقق این پیامدها در گرو زمینه‌هایی است که علم و آگاهی ما احاطه کاملی به همه ابعاد آن ندارد؛ البته وحی و معصوم می‌تواند این راه را به روی ما باز کرده، ویژگی‌ها و شرائط سنت‌های الهی در جامعه و حتی زمان تحقق آن را بیان کند. این مهم در بررسی تفصیلی هر یک از سنت‌های الهی در جامعه است ولی در این نوشتار به بازشناسی ویژگی‌های کلی سنت‌های الهی در جامعه و انواع آن پرداخته خواهد شد؟

مفهوم‌شناسی سنت

سنت در نزد اهل لغت عموماً به معنای روش، سیره، طریقه، صورت - از آن نظر که صاف، نرم و صیقلی است - آمده است (الجواهری، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۱۳۸، و ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۶: ۳۹۸-۳۹۹؛ و نیز الطریحی، ۱۴۰۳، ج ۶: ۲۶۸) و ریشه آن را در این قول عرب دانسته‌اند: «سَنَّ الْمَاءَ إِذَا وَالِيَ صَبَّهً» یعنی آب را پیایی و آسان و روان ریخت. بنابراین سنت در لغت به معنای جریان مستمر و

آسان یک شیء است. مضمون معنای لغوی سنت، در همه معانی اصطلاحی آن به نحوی وجود دارد:

۱. در متون تفسیری، سنت به همین معنای لغوی اخذ شده است. مرحوم طباطبایی در تعریف سنت می‌نویسد: «السنن جمع سنة و هی الطريقة المسلوکة فی المجتمع»؛ سنت به معنای طریقه‌ای است که جامعه در آن سیر می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۲۱). مرحوم طبرسی در مجمع‌البیان سنت را به معنای روش مستمر و جاری بیان کرده است: «السنة، الطريقة فی تدبیر الحکم و سنة رسول الله ﷺ طریقه‌ی التي أجزاها بأمر الله تعالى فأضيفت إليه و لا يقال سنته إذا فعلها مرة أو مرتين لأن السنة الطريقة الجارية» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۵۸۱).

۲. در اصول فقه، سنت به یکی از منابع استنباط احکام شرعی اشاره دارد و شامل قول، فعل و تقریر معصومین می‌باشد. در اصطلاح فقه، سنت مفهوم محدودی به خود گرفته و به معنای «مستحب» به کار می‌رود لذا گاه آداب و سنن هم به همین معنا اطلاق می‌شود. البته روشن است که واژه «اهل سنت» در تعابیر فقهاء و متکلمین، همان «عامه» یا برادران اهل سنت در مقابل «خاصه» یا شیعه می‌باشد.

۳. اصطلاح سنت در روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام، معمولاً برای دلالت داشتن بر «سنت پیامبر» اطلاق می‌شود و به معنای عام شریعت اسلامی و روش نبوی بوده و در نقطه مقابل بدعت به کار می‌رود. به عنوان مثال در نهج‌البلاغه سنت به معنای روش پیامبر گرامی اسلام در موارد بسیاری آمده است. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در باره شرائط حاکم اسلامی می‌فرماید: *و لا المَعْطَلُ لِلسُّنَّةِ فَيَهْلِكُ الأُمَّةُ: هیچ گاه سنت را رها نمی‌کند تا امت به هلاکت رسد* (خطبه: ۱۳۱) و یا فرمود: *و ما أُحْدِثْتُ بَدْعَةً إِلا تُرِكَ بِهَا سُنَّةٌ: هیچ بدعتی پدید نمی‌آید جز این که سنتی به وسیله آن از بین می‌رود* (خطبه: ۱۴۵).

۴. در جامعه‌شناسی، گاه سنت معادل «Tradition» و به معنای هنجارهایی با طول عمر طولانی می‌باشد که ممکن است از عمر چند نسل هم تجاوز کند؛ این دسته از هنجارها مجموعه‌ای از میراث فرهنگی به نام سنت را به وجود می‌آورد (بیرو، ۱۳۷۵: ۴۳۲).

۵. هم‌چنین گاه مقصود از سنت‌های اجتماعی در مباحث اجتماعی به خصوص در فلسفه تاریخ، «قانون‌مندی‌های اجتماعی» است. سنت‌های اجتماعی در این اصطلاح، به معنای قوانین حقیقی یا تکوینی است و یک ارتباط نفس‌الأمری بین حقائق در جهان عینی را

حکایت می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ۱۱۴) که مراد ما از «سنت‌های اجتماعی» همین معنا است. سنت‌های الهی روش‌های است که خداوند برای تدبیر و اداره امور انسان و جهان به کار می‌برد (همان: ۴۲۵).

بر اساس معنای اخیر، سنت از دو جهت بسیار فراگیر است؛ یکی از جهت تنوع روش‌ها و تدابیر الهی که در قالب سنن او ظهور می‌یابد و دیگری از جهت شمول آن در همه پهنه هستی از انسان و غیر انسان و از دنیا تا آخرت، هیچ موجودی، خارج از قلمرو سنت‌های الهی نیست و بر هر موجودی و از جمله انسان، در هر موقعیت و زمانی یک یا چند سنت الهی حکومت می‌کند. به تعبیر امیرالمؤمنین علی علیه السلام: «إِنَّ حُكْمَهُ فِي أَهْلِ السَّمَاءِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِ لَوَاحِدٌ»؛ حکم الهی نسبت به اهل آسمان و اهل زمین یکی است (نهج البلاغه، خطبه: ۱۹۲). احکام تکوینی و سنن الهی هیچ مخلوقی را در پهنه آسمان، زمین و دنیا و آخرت مستثنی نمی‌کند.

۶. در قرآن کریم واژه «سنت» به صورت مفرد، ۱۶ مرتبه ذکر شده است. مانند: «فَقَدْ مَضَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ»؛ به یقین سنت [خدا در مورد] پیشینیان گذشت (انفال: ۳۸) و به صورت جمع یعنی «سنن»، دو بار آمده است؛ «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ»؛ قطعاً پیش از شما سنت‌هایی [بوده و] سپری شده است پس در زمین بگردید (آل عمران: ۱۳۷)؛ سنت در همه این موارد به همان معنای لغوی یعنی رفتار و روشی که استمرار داشته است، به کار رفته است. هر چند واژه «سنت»، در قرآن برای سنت عذاب و نکال خداوند نسبت به مشرکین و اهل فسق و فجور استفاده شده است؛ از قبیل: «لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ» (حجر: ۱۳) به او ایمان نمی‌آورند و راه [و رسم] پیشینیان پیوسته چنین بوده است، اما با توجه به دیگر تعابیر مربوط به سنت‌ها در قرآن کریم، گستره و شمول سنت‌های الهی از سنت عذاب فراتر رفته و انواع روش‌ها و افعال الهی نسبت به انسان‌ها را دربر می‌گیرد. قرآن، سنت الهی درباره پیامبران را چنین می‌فرماید: «مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرْجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا» (احزاب: ۳۸) بر پیامبر در آنچه خدا برای او فرض گردانیده، گناهی نیست. [این] سنت خداست که از دیرباز در میان گذشتگان [معمول] بوده و فرمان خدا همواره به اندازه مقرر [و متناسب با توانایی] است؛ و یا درباره سنت برتری مؤمنین نسبت به کفار یادآور می‌شود که: «و اگر مؤمن هستید،

سستی نکنید و غمگین نشوید که شما برترید» (سوره آل عمران: ۱۳۹). این سنت‌ها که برخاسته از حکمت اوست، قابل تعمیم به همه انسان‌ها و امت‌ها می‌باشد. برخی از آیات قرآن کریم بیان‌کننده نوعی از روش‌های الهی است؛ هرچند با لفظ «سنّه» نیامده است (مانند آیه ۱۳۹ آل عمران). بنابراین در بررسی سنت‌های الهی در قرآن، تنها ملاحظه واژه «سنت» و کاربردهای آن کافی نیست دارد.

جریان سنت الهی در جامعه به معنای ظهور روش الهی در تدبیر جوامع به اقتضای حکمت خود و استدعاء و استعداد بشری است. این روش‌ها از سنخ امور حقیقی و تکوینی بوده و همانند ریزش آسان و پیاپی آب در جامعه انسانی جاری می‌باشد، خواه از روش‌های لطف و رحمت الهی و یا از روش‌های قهر و غضب او باشد (محمدی گیلانی، ۱۳۷۵: ۵۱). سنت اجتماعی خداوند یعنی رفتارهایی که خداوند با اجتماعات بشری (از آن نظر که اندیشه، احساس و رفتار مشترکی داشته‌اند) بر اساس حکمت خود به صورت ابتدایی یا مقابله‌ای انجام می‌دهد. این دسته از سنت‌ها به معنای قانون‌مندی‌های جامعه و تاریخ در قرآن کریم است.

مطلب دیگر آن که موضوع و متعلق سنت‌های الهی قبل از هر چیز، عقائد، اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی انسان‌ها است که اگر در مسیر توحید و عبودیت خداوند متعال باشد، مجرای دسته‌ای از سنت‌های الهی است و اگر در جهت شرک و استکبار باشد، مجرای دسته دیگری از سنت‌ها خواهد بود؛ چنان‌که فرمود: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶).

نسبت قانون‌مندی جامعه و قانون‌مندی تاریخ

نسبت جامعه و تاریخ در موضوع قانون‌مندی چیست؟ آیا قانون‌مندی جامعه، به معنای قانون‌مندی تاریخ است یا متفاوت با آن می‌باشد؟ با ملاحظه نظریه‌های فیلسوفان تاریخ در باب قانون‌مندی تاریخ، مشخص می‌شود که هر یک از این نظریه‌ها تبیین‌کننده تحولات جوامع و تمدن‌ها بر اساس قوانین و سنت‌های خاص می‌باشد.

برخی برای تاریخ، هویتی حقیقی قائل‌اند که انسان‌ها و پدیده‌های انسانی را دربر گرفته

است و هیچ راه گریزی برایشان باقی نگذاشته است. هگل، تاریخ را کشتارگاه اراده‌های فردی انسان‌ها می‌داند و مارکس انسان‌ها را همچون قابله‌ای تلقی می‌کند که تنها به وضع حمل تاریخ کمک می‌کنند. حقیقت آن است که تاریخ به این معنا وجود حقیقی ندارد تا از قوانین آن سخن گفت. تاریخ همان افراد و روابط انسانی است هنگامی که غبار زمان بر آن نشسته باشد. تاریخ به این معنا فراتر از وجود انسان‌ها و قوانین مربوط به حیات انسانی، خود یک حقیقت مستقلی ندارد تا انسان‌ها را با روح یا قوانین خویش به جلو ببرد. بنابراین سنت‌های تاریخ، همان سنت‌های اجتماعی‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۳: ۳۴۹-۳۵۲). طرح قصص و حکایت‌های تاریخی در قرآن کریم که به هدف هدایت و پند گرفتن انسان‌ها است، هرچند قانون‌مندی جامعه و نظام تکوین را نشان می‌دهد اما از این دسته آیات نمی‌توان استفاده کرد که تاریخ به‌عنوان موجودی مستقل از جامعه دارای حیات و قدرتی تعیین‌کننده بر افراد و جوامع است و تا رسیدن به مقصد معین به حرکت خود ادامه می‌دهد. این دسته از آیات تکرارپذیری این قوانین را در گذر زمان به تناسب وضعیت خاص جوامع و افراد گوناگون نشان می‌دهد:

«عادیان به تکذیب پرداختند؛ پس عذاب من و هشدارها [ی من] چگونه بود. ما بر [سر] آنان در روز شومی به طور مداوم تندبادی توفنده فرستادیم [که] مردم را از جا می‌کند؛ گویی تنه‌های نخلی بودند که ریشه کن شده بودند. پس عذاب من و هشدارها [ی من] چگونه بود و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم، پس آیا پندگیرنده‌ای هست» (قمر: ۱۸-۲۲).

بین سنت‌های اجتماعی به مثابه قانون‌مندی‌های حیات اجتماعی و تاریخ به مثابه «تمدن‌های انسانی» ارتباط برقرار است. در قرآن کریم بعد از نقل تاریخی از گذشتگان، تغییر آن را به «سنة الله» نسبت می‌دهد. قاعده کلی در این باره آن است که نتیجه کار نیک و بد شما به خودتان برمی‌گردد و اگر انسان‌ها به فساد برگردند، خداوند هم به مجازات آنها برمی‌گردد و اگر به صلاح برگردند، خداوند هم به صلاح و سعادت آنها برمی‌گردد. این تکرارپذیری سنت‌های الهی که از آیات ذیل به دست می‌آید، بیان‌گر قانون‌مندی جامعه و تاریخ است:

«فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر: ۴۳)؛ «پس آیا جز سنت [و

سرنوشت شوم] پیشینیان را انتظار می‌برند و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت»، «وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا» (اسراء: ۸) «و اگر [به گناه] باز گردید [ما نیز به کیفر شما] باز می‌گردیم». بنابراین قانون‌مندی‌های تاریخ، همان سنت‌های اجتماعی است که همواره در بستر زمان جاری خواهد بود. البته این قانون‌مندی‌ها، جبر را به همراه ندارد. به عبارت دیگر، انسان هر چند همواره مشمول سنتی از سنن الهی در جامعه است اما این اختیار را دارد تا از ذیل سنتی به سنت دیگری بگریزد یعنی شرائط اجتماعی را به گونه‌ای تغییر دهد تا مشمول سنت دیگری شود:

«کسانی که بر خویشتن ستمکار بوده‌اند، [وقتی] فرشتگان جانشان را می‌گیرند، می‌گویند: در چه [حال] بودید؟ پاسخ می‌دهند: ما در زمین از مستضعفان بودیم. می‌گویند: مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید. پس آنان جایگاهشان دوزخ است و [دوزخ] بد سرانجامی است» (سوره نساء: ۹۷).

مطابق این آیه، سنت استضعاف یک قانون‌مندی است اما سنت هجرت در مقابل آن، راهی دیگر می‌باشد و هیچ‌گاه سنت اولی توجیه‌گر ترک سنت دومی نخواهد بود.

اثبات جریان سنت‌های الهی در جامعه

در بررسی امکان وجود سنت‌های الهی یا اثبات آن در جامعه، اصول و مبانی نظری تأثیر به‌سزایی دارند. این اصول با توجه به هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی مورد نظر یک محقق، سامان یافته و چگونگی تحلیل و تفسیرهای او را از موضوعات و مسائل گوناگون تعیین می‌کنند. بر اساس نگرش اسلامی، ربوبیت خداوند در تمامی شؤون هستی گسترده است و هیچ تغییر و تحولی در عالم جز با اذن الهی و ربوبیت تکوینی او به وجود نمی‌آید:

«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ» (حدید: ۲۲)؛ «هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفس‌های شما [= به شما] نرسد مگر آنکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم در کتابی است این [کار] بر خدا آسان است». هم‌چنین تأکید می‌کند که: «و اگر خدا به تو زیانی برساند، کسی جز او برطرف‌کننده آن نیست و اگر خیری به تو برساند، پس او بر هر چیزی تواناست و اوست که بر بندگان

خویش چیره است و او حکیم آگاه است (سوره انعام: ۱۷-۱۸).

آفرینش انسان به‌عنوان جزئی از دست‌گاه عظیم خلقت و نیز فرآیند رشد و افول او هیچ‌گاه از قدرت الهی و قوانین هستی، بیرون نیست. دست آفرینش الهی، مسیر تکوین و تکامل موجودی به نام انسان را چنان بر اساس سنت‌های مستحکم رقم زد که انحراف و تخلف از آن امکان ندارد. بنابراین سرنوشت افراد، گروه‌ها و جوامع و نیز تحولاتی که در زندگی ایشان اتفاق می‌افتد با این که با اختیار و آزادی عمل انسان‌ها همراه است اما هیچ‌گاه از تدبیر و ربوبیت خداوند خارج نبوده و مبتنی بر نظام خلقت او و در چارچوب اصل علیت و هدفمندی آفرینش می‌باشد.

اصل مهم دیگری که اثبات وجود سنت‌های اجتماعی مبتنی بر آن است، ارتباط بین رفتار انسانی و پدیده‌های اجتماعی با عالم کیهانی است. پدیده‌های انسانی، رابطه‌ای تکوینی و وجودی با جهان و عالم هستی دارند که تعامل آن دو، منشأ آثار وجودی خواهد بود (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۵-۲۶). قرآن کریم از تأثیرگذاری عملکرد جامعه انسانی بر طبیعت و نوع تعامل طبیعت با آن پرده برمی‌دارد: «و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً بر کاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم ولی تکذیب کردند. پس به [کیفر] دستاوردها [گریبان] آنان را گرفتیم» (سوره اعراف: ۹۶). طرح قصص انبیاء و امت‌های سابق در قرآن کریم و نیز تأکیدی که قرآن در تأمل و تدبیر آنها دارد، نشان‌دهنده وجود قوانین و سنت‌های مشترکی است که جوامع انسانی را در بر گرفته است.

بعد از اثبات جریان سنت‌های الهی در جامعه، تذکر این مطلب لازم است که جریان سنت‌های الهی به صفات خدا بازمی‌گردد؛ یعنی سنت‌ها از صفات الهی نشأت می‌گیرند و اقتضات این صفات نسبت به جریان سنت‌ها متفاوت است. به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی، خداوند تنها افاضه‌کننده هر چیزی است که لباس وجود بر تن می‌کند (حیات و ممات، رزق و روزی و ...) و نسبت این امور به خداوند متعال یکسان نیست تا به یک صفت بازگردد؛ زیرا در آن صورت، اصل سببیت باطل می‌شود. لذا خداوند، مریض را نه بدون سبب و نه با صفت منتقم، شفاء می‌دهد بلکه به صفت رحمانی و شافی خود، شفاءبخش است ولی مستکبران جبار را با صفت منتقم خویش به قهر و غلبه می‌گیرد. بنابراین هر کاری که خدا انجام می‌دهد به مقتضای یکی از اسماء و صفات مناسب او است و نیز هر

حادثه‌ای از حوادث عالم را به جهات وجودی خاصی که در آن هست و مناسب یک یا چند صفت الهی است و نوعی تلاؤم و اقتضاء بین آن دو است، [آن حادث را به] خود نسبت می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۱۶۴).

ویژگی‌های سنت‌های الهی در جامعه

۱. الهی بودن

سنت‌های الهی در قرآن کریم گاه به خدا نسبت داده می‌شود اعم از این که با واژه سنت آمده باشد مانند «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ» (احزاب: ۶۲) و یا با تعابیر دیگری بیان شود. مثل: «لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ» (یونس: ۶۴) و گاه به انسان‌ها نسبت داده می‌شود. مثل: «وَقَدْ خَلَقْتُ سُنَّةَ الْأَوَّلِينَ» (حجر: ۱۳). نسبت خدا با این سنت‌ها، نسبت فاعلی بوده ولی نسبت انسان‌ها با آن، نسبت قابلی است (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ۴۲۶). سنت‌های الهی تجلی اسماء و صفات خداوند متعال در تدبیر بشریت و هدایت ایشان به سر منزل مقصود است. پس هر سنتی، «کلمة الله» می‌باشد. به تعبیر شهید صدر، با توجه با این که قوانین جامعه و تاریخ، تجلی اراده خدا و نمایان‌گر حکمت و تدبیر او در جهان هستی است، [بنابراین] استمداد از سنت‌های الهی به معنای برقراری پیوند با خداوند متعال و عالم غیب است، در عین حال، چنین پیوندی سنت‌ها را از بررسی علمی و عینی خارج نمی‌سازد (صدر، ۱۳۶۹: ۱۱۴-۱۱۷). حال که سنت‌های جامعه و تاریخ، وضع شده و منسوب به خدا هستند، هدف‌مندی آنها و نیز عدم انتساب به جبر تاریخی هم مفروض خواهد بود. اعتقاد به الهی بودن سنت‌ها و قانون‌مندی‌ها، سبب افزایش رویکرد توحیدی انسان‌ها و استمداد ایشان برای حرکت در ذیل سنت‌های سعادت‌بخش الهی خواهد شد.

۲. تکوینی بودن

سنت‌های الهی از سنخ تکوین و ایجاد و نه از سنخ اعتبار و تشریح هستند. به عبارت دیگر، خداوند در کنار برنامه تشریحی خود که توسط انبیاء آن را ارسال کرده و در آن پاداش صالحان و کیفر عاصیان را بیان کرده است، قوانین و سنن تکوینی را پشتیبان و باطن تشریح قرار داد تا اعمال فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی صورت باطنی خود را بیابند.

آیات و روایات مختلفی که از ثواب و عقاب اعمال و پیامدهای دنیوی و اخروی آنها سخن می‌گویند، ناظر به سنت‌های الهی هستند و بدون شک ثواب و عقاب از سنخ تکوین می‌باشند. تکوینی بودن سنت‌های الهی در جامعه، عمومی بودن آن از یک سو و اجتناب‌ناپذیری آن را از سوی دیگر ثابت می‌کند. امور تکوینی بر خلاف بسیاری از امور اعتباری گریزناپذیر می‌باشند؛ هر چند افراد، خود در تحقق آنها نقش بنیادی دارند. بنابراین سنت‌های الهی در جوامع را نه می‌توان نادیده گرفت و نه تغییر داد.

۳. هماهنگی سنت‌های تکوینی و تشریحی

سنت‌های تکوینی خداوند در جوامع انسانی هماهنگ با سنت تشریحی اوست. زیرا ربوبیت خدای متعال در هر یک از عالم تکوین و تشریح حضور دارد و هیچ‌یک از تشریح و تکوین در مسیری خلاف جهت دیگری عمل نمی‌کند. مثلاً دستور اطاعت از خدا و رسول در شریعت، هماهنگ با متن تکوین است و آثار اجتماعی خاصی را در تحکیم و تثبیت وجودی جامعه به دنبال دارد «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال: ۲۴). مطابق این آیه شریفه، غیر از حیات جسمانی، حیات حقیقی یک ملت و افرادش به هويت ایمانی و الهی آنها وابسته است. وقتی دو قلمرو (سنت‌های تکوینی و تشریحی) در راستای هم باشند، می‌توان از دستورات تشریحی خداوند، پی به سنت تکوینی برد؛ هر چند کشف آن غیر از طریق وحی و عقول روشن ممکن نباشد.

۴. عمومیت داشتن

عمومیت داشتن سنت‌های الهی ابعاد مختلفی دارد:

الف) عمومیت سنت‌ها از جهت گستره حضور (زمانی و مکانی)؛

یکی از ابعاد عمومیت سنت‌ها، تعمیم آن در آسمان‌ها و زمین و در گستره همه عالم است به گونه‌ای که هیچ موجودی مستثنی از آن نیست؛ به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام: «إِنَّ

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون خدا و پیامبر شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد آنان را اجابت کنید.

حُكْمُهُ فِي أَهْلِ السَّمَاءِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِ لَوَاحِدٌ وَ مَا بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ هَوَادَةٌ فِي إِبَاحَةِ حِمِّي حَرَمَةٌ عَلَى الْعَالَمِينَ» (نهج البلاغه، خطبه قاصعه: ۱۹۲). در آیات زیادی از قرآن کریم تعمیم سنت الهی را نسبت به دنیا و آخرت بیان فرموده است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ»^۱ (مائده: ۶۵).

سنت‌های اجتماعی در طول زمان هم فراگیر و غیرقابل تحلف‌اند: «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَقُوا مِنْ قَبْلُ وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدْرًا مَقْدُورًا» (احزاب: ۳۸)؛ یعنی این سنت‌ها در گذشته هم معمول بوده است و در جریان خود نسبت به حال و آینده کلیت جامعه را فرا می‌گیرد و افراد را استثناء نمی‌کند مگر آنکه برخی افراد وضع عمومی جامعه را تغییر دهند.

امیرالمؤمنین (ع) در عمومیت داشتن سنت‌های الهی می‌فرماید: «وَاحْذَرُوا مَا نَزَلَ بِالْأُمَّمِ قَبْلَكُمْ مِنَ الْمُثَلَّاتِ بِسُوءِ الْأَفْعَالِ وَ ذَمِيمِ الْأَعْمَالِ فَتَذَكَّرُوا فِي الْخَيْرِ وَ الشَّرِّ أَحْوَالَهُمْ وَ احْذَرُوا أَنْ تَكُونُوا أُمَّتًا لَهُمْ» (نهج البلاغه: خطبه قاصعه).

ب. عمومیت سنت‌ها نسبت به افراد و کلیت جامعه؛

بعد دوم تعمیم سنت‌های اجتماعی ناظر به بستر اجتماعی آن است. سنت اجتماعی، ناظر به فرد یا افراد با توجه به زندگی فردی آنها نیست بلکه افراد از آن جا که با یکدیگر تعامل اجتماعی داشته و بر فکر، احساس و رفتار یکدیگر تأثیر می‌گذارند و با اشتراک در افکار، ارزش‌ها، احساسات و رفتارها به صورت جمعی و به مثابه روح واحدی تجلی می‌کنند، محل جریان سنت‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. وقتی که افکار و رفتار خاصی از سطح فردی به سطح فراگیری از جامعه سرایت پیدا کند که بتوان به این اعتبار آن را یک امت یا قریه و تعبیری از این دست نامید، در این صورت عکس‌العمل رفتار مردم به همه آنها سرایت خواهد کرد و با سنت‌های الهی در جامعه مواجه خواهیم بود. لذا در قرآن کریم سنت‌های الهی به حیثیت جمعی افراد و با نام قبیله و قریه آنها نسبت داده شده است:

«لَقَدْ كَانَ لِسَيِّدٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُّوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبُّ عَفُورٌ فَاعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرْمِ وَ بَدَّلْنَاَهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ

۱. و اگر اهل کتاب ایمان آورده و پرهیزگاری کرده بودند قطعاً گناهانشان را می‌زدودیم و آنان را به بوستان‌های پر نعمت درمی‌آوردیم.

حَمَطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكُفُورَ» (سبأ: ۱۷-۱۵)؛ «قطعاً برای [مردم] سبا در محل سکونتشان نشانه [رحمتی] بود؛ دو باغستان از راست و چپ. [به آنان گفتیم] از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید؛ شهری است خوش و خدایی آمرزنده. پس روی گردانیدند و بر آن سیل [سد] عَرم را روانه کردیم و دو باغستان آنها را به دو باغ که میوه‌های تلخ و شوره و نوعی از کنار تنک داشت، تبدیل کردیم. این [عقوبت] را به [سزای] آنکه کفران کردند، به آنان جزا دادیم و آیا جز ناسپاس را به مجازات می‌رسانیم».

و نیز «شهری را مَثَل زده است که امن و امان بود و روزی مردم از هر سو از طرف خداوند می‌رسید. اما ساکنان آن، نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای کفران نعمتی که انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و هراس را به آنها چشانید» (سوره نحل: ۱۱۲). بنابراین، اگر سنت افزایش نعمت و نزول برکات الهی شامل امتی شود، کل آن جامعه را فرامی‌گیرد و اگر سنت نَقَمَت و عذاب الهی متوجه آنها شود، باز هم کل جامعه را دربرمی‌گیرد: «وَأَتَّقُوا فَتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال: ۲۵)؛^۱ آیه فوق که مؤمنین را مورد خطاب قرار می‌دهد، بیان‌کننده اهمیت احساس مسئولیت آحاد امت اسلامی است. مرحوم علامه طباطبایی در ذیل این آیه شریفه می‌گوید:

هرچند این فتنه به جماعتی ظالم از مؤمنین مربوط می‌شد ولی آثار سوء آن، کل جامعه را فرامی‌گرفت. لذا بر عموم امت اسلامی، دفع آن از راه امر به معروف و نهی از منکر لازم شده است و آخر آیه با بیانی تهدیدآمیز فرمود: «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (طباطبایی، ج ۹: ۵۱).

در حدیث معروفی از پیامبر نقل شده که فرمود: «ان الله عز و جل لا يعذب العامة بعمل الخاصة حتى يروا المنكر بين ظهرانيهم و هم قادرون على ان ينكروه فاذا فعلوا ذلك عذب الله الخاصة و العامة»؛ «خداوند عز و جل هرگز عموم را به خاطر عمل گروهی خاص مجازات نمی‌کند مگر آن زمان که منکرات در میان آنها آشکار گردد و توانایی بر انکار آن داشته باشند، در عین حال سکوت کنند. در این هنگام خداوند آن گروه خاص و همه

۱. و از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد، بترسید و بدانید که خدا سخت کیفر است.

توده اجتماع را مجازات خواهد کرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج: ۷، ۱۳۱). پیامد این ویژگی سنت‌های الهی در جامعه، بازاندیشی باورها و گرایش‌های مشترک گروه و جامعه‌ای است که به آن تعلق یافته و آنها را پذیرفته‌ایم. زیرا مشمول سنتی خواهیم شد که آن گروه یا جامعه را پیش می‌برد.

۵. ثبات و تغییرناپذیری

ثبات، حتمی بودن و تغییرناپذیری سنت‌های الهی با تعبیر گوناگونی مورد تأکید قرآن کریم قرار گرفته است. چنانکه در سوره فاطر فرموده است: «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر: ۴۳)؛ صدر آیه شریفه، دلالت بر استمرار سنت الهی از گذشتگان به آیندگان دارد و ذیل آن با تصریح به تبدیل‌ناپذیری و تحویل‌ناپذیری سنت‌ها، آن را مجدداً مورد تأکید قرار می‌دهد. تبدیل شدن سنتی به سنت دیگر به این معناست که مثلاً به جای نزول عذاب بر قومی، نعمت و عافیت بر آنها فرود آید و مقصود از تحویل سنت، انتقال سنتی مانند عذاب از کسانی است که استحقاق آن را دارند، به افرادی که مستحق آن نیستند (طباطبایی، ج: ۱۷، ۵۷). آیات دیگری هم مضمون فوق را - چه در ارتباط با سنت عذاب و یا سنت نعمت الهی - مورد تأیید قرار می‌دهند:

«وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَّبِيِّ الْمُؤْمِنِينَ (انعام: ۳۴)؛ «و پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند ولی بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند، شکیبایی کردند تا یاری ما به آنان رسید و برای کلمات خدا هیچ تغییر دهنده‌ای نیست و مسلماً اخبار پیامبران به تو رسیده است». همچنین آیه شریفه «لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (یونس: ۶۴)؛^۲

۱. پس آیا جز سنت [و سرنوشت شوم] پیشینیان را انتظار می‌برند و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت.

۲. در زندگی دنیا و در آخرت مژده برای آنان است و وعده‌های خدا را تبدیلی نیست این همان کامیابی بزرگ است.

گاهی از غلبه امر الهی و فائق آمدن آن بر همه موانع و عوامل دیگر سخن می‌گوید: ^۱ «و خدا بر کار خویش چیره است ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. سرّ ثبات و تغییرناپذیری سنت‌های الهی را باید در ارتباط تکوینی افعال انسانی و پیامدهای آن دنبال کرد. چنین ارتباطی از سنخ رابطه علی در امور تکوینی است که هرگز علت یا شرط لازم از معلول و مشروط خود جدا نمی‌شود. ثبات و استمرار سنت‌های الهی، هر نوع توهم رهاشدگی و هرج و مرج تحولات اجتماعی و تاریخی را از ذهن ما می‌زداید و از یک سو امید به رسیدن اهداف مورد انتظار و مطلوب و از سوی دیگر ترس از عواقب نامطلوب اجتماعی را در دل‌ها مستقر می‌سازد»

۶. ابتناء بر اصل علیت

اصل علیت از بنیادی‌ترین اصول هستی است که هرگونه تصادف و اتفاق را محال و ممتنع اعلام کرده و تنها با تکیه بر آن می‌توان وجود و بقاء ممکنات را توجیه و معقول ساخت و نیز اگر ضرورت و تناسب علی بر هستی، حاکم نباشد، ممکنات به عرصه وجود پا نگذاشته و نظمی در آن سامان نمی‌گیرد. جامعه هم مانند دیگر بخش‌های هستی، مشمول اصل علیت بوده و جریان سنت‌های الهی در آن بیان‌گر قانون‌مندی‌های مبتنی بر اصل علیت است لذا می‌توان از سنت‌های سقوط و عروج جوامع و از انحطاط و اعتلاء آنها سخن گفت و مورد تحلیل معرفتی قرار داد.

مرحوم علامه طباطبایی در المیزان می‌گوید:

بین نظام تکوین و تشریح (نظام ناظر به هدایت انسان) از جهت جریان اصل علیت تفاوتی نیست. همان‌طوری که در تکوین، سنت و مشیت الهی مبتنی بر اسباب و مسببات است، در عالم هدایت انسانی هم سنت او بر اسباب و مسببات جریان دارد؛ هر که از خدا طلب رحمت کند و خود را در معرض نفعه الهی قرار دهد و در این مسیر به کفر و فسق و عناد آلوده نشود، حتماً مشمول حیات طیبه خواهد بود و آن‌که از این راه اجتناب نماید و پیرو هوای نفس خود شده و با خدا و آیاتش ستیزه‌جویی کند، از سعادت محروم گشته [و] به شقاوت و ضلالت گرفتار شود.

۱. «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سوره یوسف: ۲۱).

این همان قانون‌مندی‌های الهی در جهان انسانی است که به تعبیر علامه طباطبایی، اگر مشیت الهی بر چنین قوانینی استوار نبود، نظام علیت باطل شده، اراده گزاف جایگزین آن می‌شد و در این صورت مصالح و احکام و اهداف رخت برمی‌بست و آنگاه فساد در عالم تشریح و عالم انسانی به بطلان و فساد در عالم تکوین منتهی می‌شد (طباطبایی، ج ۷: ۳۱۳).

۷. هماهنگی با اختیار انسان

درباره نسبت قانون‌مندی جامعه با اختیار انسان نظریه‌های گوناگونی وجود دارد:

الف. جبری بودن قوانین اجتماعی به طوری که جایی برای اختیار انسان باقی نگذارد؛

ب. ضرورت و جبر قوانین اجتماعی، اختیار را سلب نمی‌کند بلکه محدود می‌کند. یعنی جامعه و تاریخ، مبدأ و مقصدی دارد. خطوط کلی این حرکت همان قانون‌مندی‌های ضروری و جبری است ولی انسان در عَرَض این خطوط، کم و بیش از آزادی برخوردار است؛

ج. قانون‌مندی پدیده‌های اجتماعی صرفاً به معنای علت‌دار بودن آنها و مشمولیت آنها تحت اصل علیت است و اراده و اختیار انسان یکی از اجزاء علت تامه این حوادث است. افراد انسانی در جامعه و تاریخ، آزادی کامل دارند و می‌توانند برخلاف مسیر جامعه حرکت کنند بلکه مسیر آن را دگرگون سازند. دیدگاه مطلوب همین نظریه است. زیرا اسلام و همه شرائع الهی بر اراده و آزادی انسان استوار است و تا انسان آزاد نباشد، امر و نهی، ستایش و نکوهش، تحذیر و ترغیب و پاداش و کیفر دین معنا نخواهد داشت. به علاوه آیاتی که اشتراک انسان‌ها و جوامع را در قوانین جامعه‌شناختی بیان می‌دارد، بر این نکته تأکید می‌ورزد که این قوانین از انسان سلب اختیار نمی‌کند لذا قرآن عبرت‌گیری از سرانجام پیشینیان را مطرح می‌کند. این سنت‌ها بر اساس اختیار و انتخاب او محقق می‌شود نه اینکه سلب اختیار از او کند چنان که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُمْ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱).^۱

قرآن کریم در عین اینکه می‌فرماید: «وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا» (کهف: ۵۹) «و [مردم] آن شهرها چون بیدادگری کردند، هلاکشان کردیم»، که نشان‌دهنده قانون

۱. در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند.

تخلف‌ناپذیر الهی است، اما در عین حال انسان مجبور نیست که ظالم باشد: ^۱ «و اگر [مردم] در راه درست پایداری ورزند قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم». و نیز در سوره اعراف تأکید دارد که: «و اگر مردم شهرها، ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم ولی تکذیب کردند؛ پس آنان را به [کیفر] دستاوردها گرفتار کردیم».^۲

پس انسان‌ها همواره بین چند قانون مخیر هستند. افراد می‌توانند با توجه به انواع سنت‌های الهی با گزینش خود به گونه‌ای عمل کنند که مشمول برخی از آنها بوده یا از ذیل یک سنت به سنت دیگری انتقال یابند. بر اساس آیه ۱۱ سوره رعد، انسان‌ها محور تغییرات و مسئول نتایجی است که در زندگی و حیات جریان می‌یابد و نفس آدمی مجرای جریان سنن و قوانین الهی در جامعه می‌باشد؛ استقامت انسان‌ها بر عقائد صحیح و عمل صالح، سنت‌های اعتلاء جوامع را از سوی خدا رقم خواهد زد ولی انحراف فکری و فساد اخلاقی و رفتاری انسان‌ها آنها را به سوی سنت‌های انحطاط و نابودی سوق خواهد داد. بدیهی است که اختیار انسان و گزینش‌های او پیوند وثیقی با جریان این سنت‌ها دارد (هیشور، ۱۴۱۷: ۳۶-۳۷).

۸. داشتن موعد مقرر

سنت‌های الهی در جامعه بر اساس حکمت خداوند تدبیر می‌شود لذا همواره در چارچوب اصل علیت از یک سو و هماهنگی با نوع گزینش انسان از سوی دیگر، در زمانی خاص تحقق می‌یابد. این زمان می‌تواند دفعی و آشکار یا تدریجی و غیر آشکار باشد لذا در برخی از آیات قرآن سخن از «اجل»، «موعد» و «کتاب معلوم» به میان آمده است:

«وَلَوْ يَأْخُذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكُوا عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فِإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (نحل: ۶۱).^۳

۱. «وَأَلَّوْا اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن: ۱۶).

۲. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶).

۳. و اگر خداوند مردم را به [سزای] ستمشان مواخذه می‌کرد جنبنده‌ای بر روی زمین باقی نمی‌گذاشت لیکن [کیفر] آنان را تا وقتی معین بازپس می‌اندازد و چون اجلشان فرا رسد ساعتی آن را پس و پیش نمی‌توانند افکنند.

«وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا» (کهف: ۵۹)؛ «و [مردم] آن شهرها چون بیدادگری کردند، هلاکشان کردیم و برای هلاکشان موعدی مقرر داشتیم. «وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ» (حجر: ۴)؛ «و هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر اینکه برای آن اجلی معین بود».

زمان و موعد تعیین شده در سنت عذاب الهی خود دارای حکمت‌های مختلفی است ولی معمولاً به جهت سبقت رحمت الهی بر غضب اوست (یا من سبقت رحمته غضبه) تا پشیمان شوند و برگردند:

«وَرَبُّكَ الْعَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهم بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلْ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُم مَّوْعِدٌ لَّنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا» (کهف: ۵۸)؛ و پروردگار تو آمرزنده [و] صاحب رحمت است. اگر به [جرم] آنچه مرتکب شده‌اند، آنها را مؤاخذه می‌کرد، قطعاً در عذاب آنان تعجیل می‌نمود [ولی چنین نمی‌کند] بلکه برای آنها سررسیدی است که هرگز از برابر آن راه گریزی نمی‌یابند.

گاه مهلت دادن، برای افزایش گناه و نوعی مکر الهی است تا ناگهان گرفتار عذاب الهی شوند:

«فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ» (انعام: ۴۴)؛ پس چون آنچه را که بدان پند داده شده بودند، فراموش کردند، درهای هر چیزی [از نعمتها] را بر آنان گشودیم تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند، شاد گردیدند. ناگهان [گریبان] آنان را گرفتیم و یکباره نومید شدند.

نسبت به مؤمنین هم در جریان سنت هدایت، نعمت و نصرتی که خداوند نصیب مؤمنین می‌کند، شرائطی از قبیل صبر، استقامت و نیز امتحان شدن در تحقق وعده الهی دخالت دارند؛ لذا این سنت‌ها هم در موعد الهی محقق می‌شود:

«بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ» (آل عمران: ۱۲۵)؛ «آری! اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند، همان‌گاه پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشان‌دار یاری خواهد کرد».

۹. حاکمیت برخی از سنت‌ها بر برخی دیگر

سنت‌های الهی از جهت دایره شمول و جریان آن در واقعیت خارجی همگی در یک سطح نیستند بلکه برخی عام‌تر از بعض دیگر بوده و گاه حاکم بر آن است. به‌عنوان مثال، سنت رحمت و لطف خدا بر سنت غضب و قهر او پیشی می‌گیرد؛ «أَنْتَ الَّذِي عَفَوْتَ أَعْلَى مِنْ عِقَابِهِ وَ أَنْتَ الَّذِي تَسْعَى رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ» و یا سنت حکمت الهی که حاکم بر همه سنت‌ها است؛ «يَا مَنْ لَا يُبَدِّلُ حِكْمَتَهُ الْوَسَائِلُ». در قرآن کریم هم آیات فراوانی این معنا را اثبات می‌کند: «وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلْ لَهُمُ الْعَذَابَ» (کهف: ۵۸)؛ «و پروردگار تو آمرزنده [و] صاحب رحمت است اگر به [جرم] آنچه مرتکب شده‌اند؛ آنها را مؤاخذه می‌کرد قطعا در عذاب آنان تعجیل می‌کرد [ولی چنین نمی‌کند]».

۱۰. توالی و تتابع سنت‌ها

مقصود از توالی سنت‌ها این است که گاه بین سنت‌ها رابطه‌ای طولی وجود دارد که یک سنت خاص، سنت دیگری را به دنبال می‌آورد. به‌عنوان مثال، بی‌اعتنایی نسبت به پیام وحی و اعراض از آن، سبب بسته‌شدن مشاعر ادراکی و به تعبیر قرآن «مهر نهادن بر دل‌ها» می‌شود، و این خود سنتی از سنن الهی است؛ آنگاه ایشان در معرض سنت دیگری که عذاب الهی باشد قرار می‌گیرند^۱ و همچنین در آیه ذیل، تتابع چندین سنت الهی را می‌توان مشاهده کرد.

«وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَعْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (اعراف: ۹۴-۹۵)؛ و در هیچ شهری پیامبری نفرستادیم مگر آنکه مردمش را به سختی و رنج دچار کردیم تا مگر به زاری در آیند. آن‌گاه به جای بدی [=بلا]، نیکی [= نعمت] قرار دادیم تا انبوه شدند و گفتند: پدران ما را [هم مسلماً به حکم طبیعت] رنج و راحت می‌رسیده است. پس در حالی که بی‌خبر بودند، بناگاه [گریبان] آنان را گرفتیم.

۱. «حَتَّمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (بقره: ۷).

مرحوم علامه طباطبایی در ذیل آیه فوق می گوید:

این آیات بیانگر آن است که امت‌ها به عهد الهی عمل نکردند و از لباس بندگی خارج شده، مشمول توالی سنن خاص الهی قرار گرفتند. به این معنا که نخست در برابر انبیاء که آنها را دعوت به هدایت، تضرع به درگاه خدا و آزمایش به سختی‌ها داشتند، فاصله می گرفتند. وقتی این سنت فایده‌ای به حالشان نداشت، خداوند سنت دیگری به نام سنت «طبع بر دلها» را جایگزین کرد که قلب‌ها از حق کناره گرفته، به شهوات گرفتار شدند و دنیا در چشم‌شان زینت یافت و این سنت «مکر الهی» است. آنگاه سنت سومی بنام «استدراج» شکل می گیرد که زشتی را زیبا و نعمت را نعمت می بیند و روز به روز به عذاب الهی نزدیک تر شده تا این که به ناگاه گرفتار آن می شود (طباطبایی، ج: ۸، ۱۹۵).

همچنین تقوای الهی و صبر در برابر دشمنان، سبب مصونیت از آسیب‌های آنها و نیز باعث جریان نصرت الهی می شود: «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» (آل عمران: ۱۲۰)؛ و اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید نیرنگشان هیچ زیانی به شما نمی‌رساند یقیناً خداوند به آنچه می‌کنند احاطه دارد.

راه‌های کشف سنت‌های اجتماعی در قرآن و روایات

قرآن کریم سنت‌های الهی در جامعه را به صورت‌های گوناگونی مورد توجه قرار داده که بررسی همه آنها نیازمند تحقیق گسترده‌تری است ولی بدون تردید دسته‌بندی آنها با معیارهای مناسب، کمک شایانی به بازشناسی انواع سنت‌ها خواهد کرد. ما در ابتداء به بررسی راه‌های کشف سنت‌ها از قرآن کریم خواهیم پرداخت و آن‌گاه دسته‌بندی سنت‌ها ذکر خواهد شد:

برای کشف سنت‌های الهی در جامعه از قرآن کریم شیوه‌های مختلفی وجود دارد. این شیوه‌ها با تأمل در نوع تعبیری که قرآن بکار گرفته است، بدست می‌آید. به طور کلی، تعبیر قرآنی از سنت‌های اجتماعی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد؛ زیرا آیات قرآن در این زمینه یا با استفاده از لفظ و ترکیب خاصی از سنت‌های الهی یاد می‌کند، مانند واژه «سنت» یا «کلمة الله» و یا تعبیر «مثل» و نظائر آن، که در این صورت آشکارا تدبیر الهی در قانون‌مندی جوامع را نشان می‌دهد و یا احکام و حقایقی را برای جوامع ذکر کرده و یا

به گونه‌ای دعوت به عبرت‌آموزی از سرنوشت جوامع می‌کند که همه اینها نشان‌دهنده قانون‌مندی جوامع است.

بنابراین با سه دسته از آیات مواجه هستیم:

۱. کشف سنت‌ها از راه الفاظ خاصی مثل سنت (کشف از طریق موضوعات)

آیاتی که با بکارگیری واژه «سنت» و دیگر الفاظی که این معنا را می‌رساند، به‌صراحت انواعی از سنت‌های الهی در جامعه را آشکار می‌سازد. در یازده آیه از آیات قرآن کریم، تعابیر «سنة الله» (فتح: ۲۳)، «سنة الاولین» (فاطر: ۴۳)، «سنتنا» و «قد خلت من قبلکم سنن» (آل عمران: ۱۳۷) به کار رفته است.

گاه از سنت الهی تعبیر به «کلمة الله»^۱ می‌شود و «وَلَا يُبَدِّلُ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبِيِّ الْأُمُورِ سَلِيلِينَ» (انعام: ۳۴)؛ و پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند ولی بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند، شکیبایی کردند تا یاری ما به آنان رسید و برای کلمات خدا هیچ تغییردهنده‌ای نیست و مسلماً اخبار پیامبران به تو رسیده است و گاه با عنوان «مثل» از سنت الهی یاد می‌کند:

«و هیچ پیامبری به سوی ایشان نیامد مگر اینکه او را به ریشخند می‌گرفتند و نیرومندتر از آنان را به هلاکت رسانیدیم و سنت پیشینیان تکرار شد».^۲

۲. کشف سنت‌ها از طریق احکام عام (کشف از طریق محمولات)

آیاتی که احکامی از قبیل: أجل، هلاکت، برکت، امنیت، فقر و فلاکت، تغییر و امثال آن را به صورت عام و بدون انحصار به قومی خاص به امت، قریه، قوم و جوامع نسبت می‌دهد. این دسته از آیات گاه در قالب جمله آیه ۹۶ سوره اعراف که تأکید می‌کند؛ اگر مردم ایمان آورده بودند، برکاتی از آسمان و زمین برای آنها نازل می‌شد ولی تکذیب کردند و گرفتار شدند.

۱. «وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلٰی مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ أَنآهُمْ نَصْرُنَا» (انعام: ۳۴).

۲. «فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَ مَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ» (زخرف: ۸).

همچنین آیه ۱۲۴ طه که به عموم دلالت خود، فرد و جامعه (هر دو) را شامل می‌شود: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (طه: ۱۲۴)؛ «و هر کس از یاد من دل بگرداند در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محسوس می‌کنیم».

و گاه همین احکام در قالب جمله اخباری غیر شرطی است مانند: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل: ۱۱۲)؛ «و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می‌رسید پس [ساکتانش] نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاند» (نحل: ۱۱۲)؛ و یا آیه شریفه «وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ»^۱ (فاطر: ۴۳). این دسته از آیات هم که بخش زیادی از آیات مربوط به سنت‌ها را تشکیل می‌دهد، به خوبی قوانین و سنت‌های الهی نسبت به حیات جمعی انسان‌ها را نشان می‌دهند.

۳. کشف از طریق مصادیق خاص

آیات فراوانی که با بیان حوادث و سرگذشت امت‌های پیشین، ما را به تأمل و عبرت از آنها دعوت می‌کند. قهراً اگر احکام و قوانین مشترکی بین جوامع انسانی وجود نداشت، چنین دعوتی معقول نبود (کریمی، ۱۳۷۰: ۲۰۷-۲۱۶):

«أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا»؛ «مگر در زمین نگشته‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنها بودند، به کجا انجامیده است، خدا زیر و زبرشان کرد و کافران را نظایر [همین کیفرها در پیش] است» (محمد: ۱۰). همچنین، «وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَبَلَكَ مَسَاكِينُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ»؛ (قصص: ۵۸) و نیز «وَمَكْرُؤًا مَكْرُؤًا وَمَكْرُؤًا مَكْرُؤًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْتَهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ فَبَلَكَ يُؤْتِيهِمْ حَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» (نمل: ۵۰-۵۳)؛ که

۱. و نیرنگ زشت جز [دامن] صاحبش را نگیرد.

تأکید دارند، کسانی که دست به نیرنگ زدند، در مقابل با نیرنگ خداوند مواجه گشته و هلاک شدند که این سرگذشت، برای همگان مایه عبرت است.

برای کشف سنت‌های اجتماعی در روایات از شیوه‌های مختلفی می‌توان انجام داد که یکی از آنها روایاتی است که پیامدهای اعمال یا ثواب و عقاب آنها را در دنیا بیان می‌کند.

انواع طبقه‌بندی سنت‌های الهی در جوامع

۱. طبقه‌بندی شهید صدر

شهید صدر در بحث سنت‌های تاریخی حاکم بر بشریت، سنن تاریخی قرآن را به چند دسته تقسیم می‌کند (صدر، ۱۳۶۹: ۱۶۳-۱۸۱).

الف) سنت‌هایی که به صورت قضیه شرطیه بیان شده‌اند (یعنی منوط به اراده انسان است). این سنت‌ها به تحقق شرط در خارج دلالت ندارد بلکه بر لزوم پیوند شرط و جزاء دلالت می‌کند. این دسته از سنت‌ها، رشته کار را به دست خود انسان‌ها سپرده است؛ یعنی فایده چنین سنت‌هایی، این است که در زندگی انسان ارزش سازندگی دارد و انسان با شناخت آنها، هر گاه نیاز داشت با تحقق شرط، جزاء را محقق کند. آیات فراوانی از قرآن بیان‌کننده چنین سنت‌هایی هستند مانند: سنت پیوستگی بین تغییر محتوای درونی انسان و تغییر وضعیت ظاهری:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَتْ حَتَّىٰ يَغْيُرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)؛ «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا...» (اعراف: ۹۶)؛ «أَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن: ۱۶)؛ «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَوْمًا فَمَرْنَا مُمْرِسِينَ فِيهَا فَأَنصَلُوا بِهَا لَآئِن كَانُوا لَإِيَّائُنَا مُقِرِّينَ» (سجده: ۱۶)؛ «فَلَمَّا نَسُوا مَا وَعَاوَدُوا الظَّلْمَ أَهْلًا بِمَا ظَلَمُوا فَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسٍ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ» (سجده: ۱۷)؛ «فَلَمَّا نَسُوا مَا وَعَاوَدُوا الظَّلْمَ أَهْلًا بِمَا ظَلَمُوا فَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسٍ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ» (سجده: ۱۷)؛ «فَلَمَّا نَسُوا مَا وَعَاوَدُوا الظَّلْمَ أَهْلًا بِمَا ظَلَمُوا فَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسٍ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ» (سجده: ۱۷).

این دسته آیات، به صورت قضیه شرطیه تأکید دارند: که هر گاه شرط محقق شود، جزاء هم محقق می‌شود. شرط عبارت از توجه اوامر الهی به مترفین جامعه و مخالفت ورزیدن آنها با این اوامر است و جزایش عبارت از هلاکت ایشان است.

ب) سنت‌های تاریخی که به شکل قضیه فعلیه تحقق دارد و حالت منظره‌ای در تحقق

آن نیست و مشروط به شرطی نمی‌باشد. مثلاً در قوانین طبیعی، خبر قطعی از کسوف و خسوف داده می‌شود. خبر از وقوع قطعیت دارد (زمان و مکان) و مشروط به شرطی نیست. مثل سنت تفاوت بین افراد بشر:

«وَرَفَعَ بَعْضُكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتْلُوَ كُمْ فِي مَا آتَاكُمْ» (انعام: ۱۶۵) «و بعضی از شما را بر برخی دیگر به درجاتی برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید» و یا «انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» (اسراء: ۲۱) «بین چگونه بعضی از آنان را بر بعضی دیگر برتری داده‌ایم»؛ «وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُجْرًا» (زخرف: ۳۲)؛ «و برخی از آنان را از [نظر] درجات بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند».

همچنین مثل وَهْنِ اجتماعي جامعه‌ای که به غیر خدا تمسک کند: «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (عنکبوت: ۴۱).^۱

ج) سنت‌هایی که نشان‌دهنده کشش‌ها و گرایش‌های انسان در حرکت تاریخ است. خصوصیت این دسته از سنت‌ها آن است که قابل انعطاف بوده و می‌توان با آن برای مدت کوتاهی به مخالفت برخاست، هر چند حرکت مخالف باعث می‌شود که مبارزه‌کننده را بر اساس سنت‌های تاریخ به تدریج بکوبد. مثلاً کشش جاذبه زناشویی؛ یک سنت تاریخی است.^۲ می‌توان برای کوتاه مدت بر علیه آن مقاومت کرد مثل آنچه قوم لوط انجام داد اما این مخالفت دوام ندارد بلکه باعث نابودی مخالفین می‌شود. دین هم از جمله این سنت‌ها است. دین گاهی به معنی تشریح است که از جانب خداوند متعال می‌آید:

«شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى

۱. داستان کسانی که غیر از خدا دوستانی اختیار کرده‌اند؛ همچون عنکبوت است که [با آب دهان خود] خانه‌ای

برای خویش ساخته و در حقیقت اگر می‌دانستند؛ سست‌ترین خانه‌ها، همان خانه عنکبوت است.

۲. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱).

وَ عِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (شوری: ۱۳)؛ «از [احکام] دین آنچه را که به نوح درباره آن سفارش کرد، برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که درباره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که دین را برپا دارید و در آن تفرقه‌اندازی نکنید».

اما گاه مقصود از دین به‌عنوان سنتی در حرکت تاریخ انسانی، همان حقیقتی است که از باطن و فطرت انسان برمی‌خیزد و قابل تغییر نیست چنانکه در سوره روم بر این موضوع تأکید می‌کند و می‌فرماید:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَیْمُ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰)؛ پس روی خود را با گرایش تمام به حق به‌سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است؛ آفرینش خدای، تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

دین، خلقت غیرقابل تبدیل خدا در انسان است. انسان با این سنت خدا، می‌تواند مخالفت ورزد، ولی برای کوتاه‌مدت اما در درازمدت با سنت‌های تاریخی نمی‌تواند مبارزه کرد.

«وَكَأَيُّنَ مِنْ قَوِيَّةٍ عَنَّا عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَدَّئْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا * فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا» (طلاق: ۸-۹)؛ و چه بسیار شهرها که از فرمان پروردگار خود و پیامبرانش سر پیچیدند و از آنها حسابی سخت کشیدیم و آنان را به عذابی [بس] زشت عذاب کردیم تا کیفر زشت عمل خود را چشیدند و پایان کارشان زیان بود.

مورد دیگر تقسیم کارها و نقش‌ها برای زنان و مردان است که اگر جابجا شود، هرچند بتوان تا مدتی بر اساس آن زندگی کرد اما این برخلاف سنت تاریخ است و بقاء نخواهد یافت.

۲. انواع سنت‌های الهی در جوامع

در تاریخ و جوامع بشری، سنت‌های الهی بی‌شماری وجود دارد که اصول کلی و گاه تفصیلی آن در قرآن و روایات بیان شده است. قبل از بررسی سنت‌های فوق، پاسخ به این

پرسش لازم به نظر می‌رسد که آیا می‌توان انواع سنت‌های الهی را با معیار خاصی تنظیم و طبقه‌بندی کرد؟

در مباحث پیشین گذشت که سنت‌های الهی ناظر به چگونگی تدبیر و ربوبیت تکوینی خداوند متعال نسبت به جوامع انسانی است. بنابراین سنت‌های الهی به افعال او باز می‌گردد. از سویی دیگر، هدف اصلی و بنیادی فعل خدا در آفرینش انسان چیزی جز عبودیت او نیست؛ «وما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون». از این رو می‌توان گفت که سنت‌های الهی در جامعه، جملگی ناظر به تأمین عبودیت انسان است اعم از سنت‌های عام الهی از قبیل: سنت هدایت و امتحان یا سنت‌های مشروط و خاص که ناظر به عملکرد انسان‌ها و جوامع می‌باشد. حال در راستای بندگی انسان‌ها در برابر خداوند با دو مفهوم بنیادین ایمان و کفر مواجه هستیم. به عبارت دیگر زندگی فردی و جمعی انسان‌ها یا زندگی مؤمنانه و یا غیر مؤمنانه است. از این جهت سنت‌های الهی در جوامع به گونه‌ای جریان می‌یابد که یا مقدمه‌ی ایمان را فراهم کند مانند: سنت هدایت، سنت امتحان و سنت جزای عمل و یا به حیات اجتماعی مؤمنانه مربوط می‌شود مانند: سنت امداد مؤمنین، سنت افزایش هدایت، سنت پیروزی حق بر باطل و مانند آن، و یا به حیات اجتماعی غیر مؤمنانه از قبیل: سنت اضلال، سنت استدراج و سنت تزیین نظر دارد.

با توجه به این توضیح می‌توان انواع سنت‌های الهی نسبت به جوامع بشری را در سه دسته کلی تقسیم کرد:

الف) سنت‌های مطلق و عامی که بر اساس حکمت الهی و به هدف تأمین مصالح انسان‌ها و هدایت ایشان، در جریان بوده و شامل همه بشریت می‌شود بدون این که مشروط و مسبوق به اراده و گزینش افراد باشد؛

ب) سنت‌های مشروطی که جریان آنها به اراده و گزینش انسان‌ها بستگی دارد که خود به دو دسته قابل تقسیم است:

۱. سنت‌های مشروط به هدایت و ایمان انسان‌ها یا سنت‌هایی که باعث اعتلاء جوامع و تمدن‌ها هستند؛

۲. سنت‌های مشروط و مسبوق به کفر و عدم ایمان یا سنت‌هایی که سبب سقوط و انحطاط جوامع و تمدن‌ها می‌شوند.

حال با توجه به ملاک‌های فوق، می‌توان انواع سنت‌های الهی در جامعه را ذیل سه دسته کلی طبقه‌بندی کرد:

الف) انواع سنت‌های عام و مطلق الهی در جوامع

۱. سنت رحمت و هدایت عام الهی؛ ۲. سنت اختیار انسان و تعیین سرنوشت؛ ۳. سنت امتحان الهی؛ ۴. سنت بازگشت اعمال به انسان؛ ۵. سنت تغییر (همبستگی دگرگونی‌های اجتماعی با تغییرات درونی افراد)؛ ۶. سنت عام امداد (شامل مؤمن و کافر در زندگی دنیوی هر چند نوع امداد تفاوت ماهوی دارد)؛ ۷. سنت اختلاف در استعدادها؛ ۸. سنت تسلط برخی بر برخی؛ ۹. سنت عام استخلاف (جانشینی امت‌ها به جای یکدیگر)؛ ۱۰. سنت مداوله (دست به دست شدن قدرت در جامعه)؛ ۱۱. سنت تقابل حق و باطل؛ ۱۲. سنت قضاء و قدر؛ ۱۳. سنت قبض و بسط الهی.

ب) سنت‌های مشروط به ایمان و مربوط به اعتلاء جوامع

۱. سنت افزایش هدایت خاص مؤمنین؛ ۲. سنت پیروزی حق بر باطل (سنت «اثبات حق و ابطال باطل» و سنت «غلبه حزب الله»)؛ ۳. سنت امداد خاص به مؤمنین؛ ۴. سنت اعطاء حیات طیبه به مؤمنین؛ ۵. سنت معیت خدا با مؤمنین؛ ۶. سنت استخلاف و وراثت زمین به مؤمنان؛ ۷. سنت ازدیاد نعمت (اعم از مادی و معنوی)؛ ۸. سنت الحاق مؤمنین به یکدیگر بواسطه ولایت و دوستی؛ ۹. سنت نجات‌بخشی خدا؛ ۱۰. سنت انسجام و اخوت در سایه ایمان؛ ۱۱. سنت امنیت؛ ۱۲. سنت تحیب ایمان.

ج) سنت‌های مشروط به کفر و مربوط به انحطاط جوامع

۱. سنت اضلال یا افزایش گمراهی؛ ۲. سنت مجازات؛ ۳. سنت استدراج؛ ۴. سنت مکر؛ ۵. سنت تمهیل؛ ۶. سنت املاء؛ ۷. سنت خاص امداد دنیاخواهان؛ ۸. سنت تزیین؛ ۹. سنت الحاق افراد به باطل بواسطه ولایت باطل؛ ۱۰. سنت فشل شدن جامعه به سبب نزاع داخلی؛ ۱۱. سنت تسلط مجرمان و مُثَرَفان؛ ۱۲. سنت استیصال؛ ۱۳. سنت تسلط بعض ظالمین بر بعض دیگر؛ ۱۴. سنت عداوت شیاطین انس و جن با انبیاء.

نتیجه گیری

بررسی سنت‌های الهی در جامعه نشان‌دهنده وجود تدبیری الهی بر حسب اراده و گزینش‌های انسانی است. با وجود چنین قانون‌مندی‌هایی می‌توان سرنوشت جوامع را از جهت اعتلاء و انحطاط تبیین، بلکه پیش‌بینی کرد. ملت‌ها و جوامع در تاریخ گذشته و حال خویش دگرگونی می‌شوند ولی چاره‌ای از پذیرش سنت‌ها و شمول آن در هیچ‌حالی نخواهند داشت. جامعه اسلامی با شناخت دقیق سنت‌های الهی، ایمان و یقین به آنها و التزام عملی به این سنت‌ها، نسخه قطعی درمان دردها و آفات خود را تحصیل کرده، کلید فتح و گشایش آرمان‌های خود را در اعتلاء همه‌جانبه خویش بدست می‌آورد. تحقق سنت‌های الهی هر چند اجتناب‌ناپذیر است، اما در ذیل حکمت و مشیت الهی با اراده و عمل جمعی انسان‌ها گره خورده و خود را در تاریخ پرفراز و نشیب انسانی در ساحت‌های مختلف شهودی، عقلی و حسی نشان می‌دهد. بنابراین آنها را تنها و الزاماً به صورت دفعی و یا حسی نمی‌توان مشاهده کرد.

کتابنامه

- * قرآن کریم.
- * نهج البلاغه.
- * صحیفه سجادیه.
۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۲. بیرو، آلن (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
 ۳. جمعی از نویسندگان (۱۳۶۳)، درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی، قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
 ۴. الجواهری، ابن حماد اسماعیل (۱۴۰۷ق)، صحاح اللغه، بیروت: دارالعلم للملایین، الطبعة الرابعة.
 ۵. سبحانی، جعفر (۱۳۸۵)، فلسفه تاریخ، قم: انتشارات مؤسسه امام صادق.
 ۶. صدر، سید محمد باقر (۱۳۶۹)، سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ترجمه: حسین منوچهری، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
 ۷. صدر، سید محمد باقر (۱۴۱۷ق)، سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه: سید جمال موسوی اصفهانی، [بی‌جا]: انتشارات اسلامی.
 ۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۹. الطبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
 ۱۰. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع البحرین، بیروت: مؤسسه الوفاء.
 ۱۱. کرمی، علی (۱۳۷۰)، ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن کریم، قم: نشر مرتضی.
 ۱۲. محمدی گیلانی، محمد (۱۳۷۵)، قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر، نشر: سایه، چاپ اول.

۱۳. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۲)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. هیشور، محمد (۱۴۱۷)، سنن القرآن فی قیام الحضارات و سقوطها، قاهره: المعهد العالمی للفکر الاسلامی.

